

دو فصلنامه قرآن در آینه پژوهش

سال اول، شماره اول

بهار و تابستان ۹۳

صفحات ۱۲۳-۱۵۶

مسئولیت پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان*

دکتر مهین حاجی زاده**

محمی الدین آورجه***

چکیده

رفتار مسئولانه از شاخص‌های انسان سالم است که تقویت و رشد آن جز با شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار مسئولانه امکان پذیر نخواهد بود. حوزه مسئولیت انسان شامل مسئولیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و مسئولیت در برابر عهد و پیمان الهی است. تناسب تکلیف با توان فرد و عمل به تکالیف از جمله نکات مهم در جهت افزایش مسئولیت است. این موضوع از زمینه‌های مهم مورد مطالعه جامعه‌شناسی است و طرح آن در قرآن، به منزله آن است که قرآن به جامعه‌شناسی و زندگی اجتماعی انسان، نگرش دقیق و جامعی دارد. مقاله حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است، ابتدا به آشنایی با مفاهیم، واژه‌های کلیدی و مبانی مسئولیت‌پذیری پرداخته، سپس به مسئولیت‌پذیری به عنوان پدیده‌ای جامعه‌شناختی اشاره کرده، سپس، جایگاه مسئولیت‌پذیری و اهمیت آن را در قرآن تبیین، و در ادامه، انواع مسئولیت‌ها را براساس دین مبین اسلام بررسی کرده و به این مطلب دست یافته است که طرح مسئولیت‌پذیری در قرآن، به منزله اهمیتی است که اسلام برای جامعه و زندگی اجتماعی قائل است و ضرورت شناخت و بررسی علمی این پدیده، مطالعات

* تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۰۹

hajizadeh_tma@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

*** کارشناس ارشد علوم قرآن دانشگاه شهید مدنی آذربایجان و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد خوی.

eg.avarjeh@yahoo.com

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲

اجتماعی و جامعه‌شناسی را در اسلام تأیید می‌کند. و این که ریشه وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری از اعتقادات فرد نشأت می‌گیرد. به گونه‌ای که هر چه فرد معتقدتر باشد پایبندی‌اش به وظایف بیشتر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری، جامعه‌شناسی، روابط اجتماعی، اسلام، قرآن.

مقدمه

انسان اشرف مخلوقات و خلیفه خدا بر روی زمین می‌باشد اما دستیابی به این مقام، به سادگی میسر نمی‌باشد بلکه تلاش و ممارست بسیاری را می‌طلبد. در این دنیا که به سان گذرگاهی است، انسان مختار در میان دو راه قرار دارد که یکی به اسفل‌السافلین و دیگری به اعلی‌العلیین ختم می‌شود. یکی او را به شقاوت و بدبختی و دیگری به سعادت و کمال می‌رساند. هدف از آفرینش انسان این است که با انتخاب راه صحیح و طی کردن صراط مستقیم به مقام قرب الهی نائل شود و این میسر نیست مگر این که به دعوت حق لبیک گوید و با بهره‌گیری از تعالیم روشن‌گر وحی، نیک و بد را باز شناخته و پس از آشنایی با وظایف و مسئولیت‌های خویش در عمل به آن کمر همت بندد.

بشر نظر به عظمت وجودش که همان روح اوست، مجاز نیست که مطابق میل خود هر آنچه را که بخواهد، انجام دهد. اگرچه در ظاهر، بدن انسان همان حالت حیوانی را دارد؛ ولی آنچه باعث تفاوت بین انسان و حیوان می‌شود، عظمت روح انسان می‌باشد که ملاک برتری انسان است. انسان در انتخاب زندگی آزاد است که مسیر حیات خویش را خود انتخاب کند؛ ولی مسئول است که آزادی را بر اساس قانون خلقت بپذیرد و حقوق فردی و اجتماعی را محترم شمارد. به همین دلیل است که هر فرد در قبال اجتماع خویش مسئول و پاسخگو است؛ زیرا خدای سبحان انسان را در لباس عقل نیز ملبس ساخته و عاقلان می‌دانند که وظیفه انسانی‌شان در قبال زندگی فردی و اجتماعی چیست.

مسئولیت‌پذیری و چگونگی ایجاد و پایداری روابط اجتماعی، دو اصل مهم راه‌های جلوگیری از نابهنجاری‌ها در یک جامعه می‌باشد. روابط اجتماعی در محیط‌های گوناگون

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۳

از جمله خانواده، دوستان، گروه، مدرسه و محیط کار شکل‌های متفاوتی از لحاظ سالم بودن و پایداری به خود می‌گیرد و این روابط در هر یک از این محیط‌ها می‌تواند بر سایر روابط اجتماعی اثراتی سازنده و یا مخرب بر جای بگذارد. هم‌چنین روابط آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه به شدت از روابط اجتماعی آن جامعه تأثیر می‌پذیرد. برای مثال صفاتی مانند مسئولیت‌پذیری تعهد، پذیرش اشتباهات، صداقت در بیان خواسته‌ها و اهداف، احترام به افکار و اهداف طرف مقابل، علاقه به فعالیت و همکاری با دیگران در محیط‌های آموزشی، محیط کار یا در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی از روابط اجتماعی مستحکم و سالم در درون خانواده، دوستان و فامیل نشأت می‌گیرد و هم‌چنین مفاسد اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی نیز از آسیب‌های اجتماعی در درون خانواده و یا دوستان. عوامل متعددی برای کنترل روابط اجتماعی وجود دارد که هوشیاری و احساس مسئولیت جامعه در قبال رشد اجتماعی فرزندان خود بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محرک در جهت تکامل و استحکام روابط اجتماعی است. قرآن عنایت شایان توجهی به زندگی اجتماعی انسان داشته است. خداوند با ایجاد دین و قانون اسلامی برای هدایت بشر، موضوع آزادی را تذکر داده و تشریح می‌کند که انسان در امور اجتماعی چگونه باید عمل کند و به کدام نحوه باید با فرد و اجتماع برخورد نماید. اگرچه جوابگویی‌ها در قبال عمل فردی نیز حتمی می‌باشد - یعنی بین خدا و انسان-؛ اما مسئولیت انسان در قبال اجتماع بسیار حساس بوده و خدای بزرگ از افرادی که حق و حقوق اجتماعی را رعایت نمی‌کنند، نخواهد گذشت. از این روست که می‌بینیم خداوند در قرآن کریم به همه ابعاد زندگی انسان و به ویژه زندگی اجتماعی او توجه شایانی داشته و آیات متعددی در خصوص جامعه‌شناسی و امور اجتماعی دارد که در آنها انسان را به تفکر و مطالعه دعوت می‌کند.

مقاله حاضر درصدد است تا با بررسی جایگاه و اهمیت مسئولیت‌پذیری در قرآن به

سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- مسئولیت‌پذیری به عنوان یک موضوع جامعه‌شناختی از چه جایگاهی در قرآن

کریم برخوردار است؟

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان ۴

- ۲- چه رابطه‌ای بین «حق و تکلیف» و «تعهد و مسئولیت» وجود دارد؟
- ۳- قرآن کریم انسان را در مقابل چه کسانی و چه چیزهایی مسئول دانسته است؟

آشنایی با مفاهیم و واژه‌های کلیدی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر

مسئولیت: در لغت به معنای موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری است (دهخدا، بی تا: ۴۴۷/۳۴). مسئولیت در اصطلاح قرآنی، واژه‌ای است عربی که با واژه «سؤال» هم‌ریشه است و این معنی را تداعی می‌کند که شخص در موقعیتی قرار دارد که می‌توان او را مورد بازخواست قرار داد و درباره انجام کاری از او سؤال کرد. البته نه سؤال برای سؤال از انجام وظیفه‌ای که به عهده دارد تا در صورت انجام آن، مورد ستایش، تشویق و پاداش قرار گیرد و در صورت سرپیچی، مورد نکوهش، توبیخ و تنبیه واقع شود. بنابراین، مسئولیت به معنای «در معرض بازخواست بودن» است و با وظیفه و تکلیف تلازم دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

وظیفه: به چیزی اطلاق می‌شود که شرعاً یا عرفاً بر عهده کسی باشد (دهخدا، بی تا: ۲۳۲۱۱/۱۵)؛ از نظر لغت شناسان قرآنی، وظیفه از هر چیزی: به معنی آنچه که در هر روزی برایش از روزی، طعام و شراب، فرض و واجب می‌شود؛ وظف الشيء علی نفسه: آن را بر خود واجب و لازم کرد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۳۵۸)

تکلیف: به معنای بار کردن کاری سخت توأم با رنج، بر کسی می‌باشد (دهخدا، بی تا: ۶۹۱۳/۵).

از نظر لغت‌شناسان قرآنی، تکلف الشيء: یعنی آن چیزی که انسان با اظهار برافروختگی چهره و با سختی و مشقتی که از آن کار به او می‌رسد، آن را انجام می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۲۱).

تعهد: به معنای گردن گرفتن کاری (معین، ۱۳۸۱: ۳۰۷) و هم‌چنین عهد و پیمان بستن (دهخدا، بی تا: ۶۸۲۳/۵) نیز آمده است؛ در نظر قرآن‌شناسان به معنی حفظ و نگه‌داری چیزی و مراعات نمودن آنکه مراعاتش لازم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۴).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۵

هر یک از این واژه‌ها به نوعی با یکدیگر ملازم می‌باشند. به عنوان نمونه تا وظیفه- ای بر دوش کسی نباشد، مسئولیتی در قبال انجام دادن یا ندادن آن نخواهد داشت و در مورد آن، بازخواست نخواهد شد. واژه «تکلیف» نیز با «مسئولیت» و «وظیفه»، ملازم است؛ چرا که در هر سه مورد چیزی بر عهده شخص می‌باشد که اجرای آن، لازم و واجب است. واژه «تعهد» نیز با سه واژه اخیر در ارتباط است؛ چرا که در هر حال فرد متعهد، موظف و مکلف است آن چه را که به آن تعهد داده است به انجام برساند و در این مورد مسئول می‌باشد.

مبانی مسئولیت‌پذیری

انسان موجودی است که برای ادامه حیات و رفع نیازمندی‌های خود، محتاج زندگی اجتماعی است. زندگی اجتماعی نیازمند قوانینی است که سرچشمه الهی داشته باشد وگرنه از جامعیت لازم و کافی برخوردار نبوده، نظم و عدالت اجتماعی لازم در جامعه برقرار نخواهد شد و در نهایت، کمال و سعادت همه‌جانبه انسان محقق نمی‌شود.

علامه حلی، در همین زمینه آورده است: «نوع بشر نیازمند همکاری با یکدیگرند که این همکاری مستلزم قانون و برنامه‌ای است که به‌کارگیری آن در ریاضت و تأمل در امور متعالی و یادآوری انذارها، که خود زمینه‌ساز برپایی عدالت می‌باشد، سودمند و مؤثر است. علاوه بر آن، اجر و پاداش الهی را نیز به دنبال دارد» (حلی، ۱۴۰۷: ۲۹۸).

در شرع مقدس اسلام نیز تکالیفی وجود دارد که به جنبه اجتماعی انسان مربوط می‌شود. به عنوان مثال، حفظ امنیت و نظم عمومی، عدالت اجتماعی و رعایت بهداشت عمومی، تنها در صورت وجود اجتماع معنا پیدا می‌کند.

در نظام توحیدی هدف‌دار، که بر مدار نظام و قانون حق می‌چرخد، خوبی و بدی، ایمان و کفر، ظلم و عدل یکسان نیست. ظلم به حقوق دیگران همه را گرفتار می‌سازد، روابط سالم اجتماعی را در هم می‌ریزد و ایجاد بحران می‌نماید. بنابراین، می‌توان گفت: ترکیب نیاز آفرین وجود انسان، انسان را به سوی جامعه و برقراری و تنظیم روابط

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۶

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و در نهایت، تعهد و مسئولیت در مقابل دیگران فرامی‌خواند. از این رو، اجتماعی بودن انسان، به‌عنوان یکی از مبانی جامعه‌شناختی اصل مسئولیت‌پذیری انسان است.

مسئولیت‌پذیری، پدیده‌ای جامعه‌شناختی

یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در جامعه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری است. در یک جامعه مدنی مسئولیت‌های انسانی متوجه همه اعضای جامعه بوده و تأثیراتی متقابل بر افراد جامعه دارد؛ یعنی، اگر صلح و آسایش برای تمام افراد جامعه به صورت مساوی و یکسان مطرح و در دسترس باشد، به همان اندازه افراد جامعه آرامش و آسایش بیشتری خواهند داشت و به همین منوال شرایط دیگری از قبیل شرایط اقتصادی، صحتی و روابط اجتماعی نیز شرایط بهتری را به وجود خواهد آورد و بی‌شک تأثیرات زیادی در جلوگیری از هرج و مرج خواهد داشت.

از نگاه جامعه‌شناسی مسئولیت و مسئولیت‌پذیری عموماً بر دو نوع می‌باشد:

۱- **مسئولیت‌های فردی:** فرد یا انسان برای این‌که بتواند حیات داشته و زندگی اختیار نماید دارای یک نوع روابط خودی یا ذاتی می‌باشد و این روابط خودی و ذاتی به انسان امکان می‌دهد تا طبق روابط خودش روش زندگی را انتخاب نماید؛ ولی این روابط را نمی‌توان بدون یک تعهد و مسئولیت تحقق بخشید، تعهد را می‌توان وظیفه الهی انسان دانست و تشریح نمود و یا عمل ذاتی انسان دانست.

۲- **مسئولیت‌های محیطی و یا اجتماعی:** انسان علاوه بر مسئولیت‌های فردی، در برابر اجتماع و محیط خود نیز مسئول است و در این راستا ناگزیر از اجتماعی شدن است. «اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان، راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه، توسعه می‌بخشد» (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۰۳). از آنجا که انسان به‌غیر از بسیار متنوعی مجهز نشده است، برای آن‌که بتواند به حیات خود ادامه دهد، به ناچار می‌آموزد که چگونه به دیگران بپیوندد و حتی برای رفع بنیادی‌ترین نیازهای خود با

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان ۷

آنها همکاری کند. آن چه همکاری‌های میان افراد بشر و وابستگی‌های متقابل آنها را به یکدیگر ممکن می‌سازد، نظامی از الگوهای رفتار آموخته است که دیگر اعضای یک فرهنگ در آن سهیم‌اند. این الگوهای رفتار مشترک یا معیارهای رفتار را، هنجار می‌نامند. انسان موجودی اجتماعی است؛ او به تنهایی توانایی برطرف کردن نیازهای خود را ندارد. او هم در تأمین نیازهای مادی، مانند: خوراک، پوشاک، مسکن و غیره نیازمند همکاری با دیگران است و هم در تأمین نیازهای معنوی، مانند: دوستی و مهرورزی و مانند آنها به فردی احتیاج دارد که او را دوست بدارد و او نیز آن را دوست داشته باشد. بنابراین، انسان ناگزیر از حیات اجتماعی است و بسیاری از موهبت‌های زندگی خویش را مدیون جامعه می‌داند و او همواره از دیگران خیر و برکت دریافت می‌دارد. در سایه تعامل با اجتماع از غم و نگرانی آزاردهنده تنهایی رها می‌شود، بر لبانش گل لبخند می‌شکفتد و بر علم و تجربه و آگاهی‌های او افزوده می‌شود. و این گونه است که دست لطف و مهر خداوند را احساس می‌کند، چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «دست خداوند به همراه جماعت است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۵). آثار سودمندی که به برکت ارتباط با جامعه و اجتماع نصیب انسان می‌شود، بی‌شک سبب ایجاد حس مسئولیت آدمی در برابر آنان خواهد شد و در این رهگذر، کمترین وظیفه او، بازداشتن خویش از آزار رساندن به دیگران است که به تعبیر بر این اساس، تنها در سایه احساس مسئولیت در برابر جامعه است که رعایت حقوق دیگران معنا پیدا می‌کند و شومی ظلم و ستم آشکار می‌شود. باز هم، تنها به همین سبب است که با دیدن رنج گرسنگی و فقر و اندوه در چهره دیگران، روح آدمی آزار می‌بیند و بی‌تفاوتی برای او واژه نامأنوسی می‌شود.

بنابراین، مسئولیت اجتماعی عبارت است از تعهدات و مسئولیت‌هایی که انسان در فرایند زندگی اجتماعی و تعامل دیگران ناگزیر از رعایت آن می‌باشد.

مفهوم مسئولیت اجتماعی را می‌توان از بیشتر نظریه‌های اخلاق استنباط و استخراج کرد. برای روشن شدن بهتر مطلب به اختصار نظریه‌های اخلاق تشریح می‌شود. هسمر (۱۹۹۵) یکی از کامل‌ترین دسته‌بندی‌ها را از تئوری‌های اخلاق این گونه ارائه می‌کند:

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۸

۱- **قانون جاویدان (Eternal Law):** این دیدگاه که به قانون طلایی نیز مشهور است بدین‌گونه خلاصه می‌شود که «با دیگران آن‌گونه رفتار کن که دوست داری دیگران با تو رفتار کنند»

۲- **منفعت‌گرایی یا تئوری فرجام‌گرایی (Utilitarianism):** این دیدگاه منطبق با تعریفی از اخلاق است که توسط جرمی بنتم، متفکر بریتانیایی، ارائه شده و برنتایج و فرضیات فردی متمرکز است. بر این اساس، اخلاقی بودن یک رفتار، براساس میزان مطلوبیت آن بیان می‌شود؛ یعنی وقتی منافع یک عمل برای جامعه بیشتر از ضررهای آن باشد، آن عمل اخلاقی است.

۳- **وظیفه‌گرایی یا آغازگرایی (Deontological):** آغازگرایی در برابر فرضیه فرجام‌گرایی است. بر اساس این دیدگاه که توسط ایمانوئل کانت ارائه شد، هر عمل به نتیجه آن بستگی ندارد بلکه وابسته به نیت شخص تصمیم‌گیرنده است.

۴- **عدالت توزیعی:** در این تئوری که توسط جان راولز پیشنهاد شده، یک عمل را در صورتی که منجر به افزایش همکاری بین اعضای جامعه شود، می‌توان درست و عادلانه و مناسب (و بنابراین اخلاقی) نامید و عملی را که در جهت مخالف این هدف عمل کند می‌توان نادرست، ناعادلانه و نامناسب (و بنابراین غیراخلاقی) نامید. در این دیدگاه، همکاری اجتماعی، اساس منافع اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌آورد و تلاش فردی کم‌اهمیت و در مواردی نادیده گرفته می‌شود.

۵- **آزادی فردی:** بر اساس این دیدگاه که توسط رابرت نوزیک پیشنهاد شد، آزادی، نخستین نیاز جامعه است. بنابراین، هر عملی که آزادی فردی را نقض کند، غیراخلاقی است؛ حتی اگر منافع و رفاه بیشتری برای دیگران ایجاد کند (هس، مر، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

بنابراین، اخلاقیات ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با ارزش‌ها دارند و به عنوان ابزاری نگریسته می‌شوند که ارزش‌ها را به عمل تبدیل می‌کنند. اخلاق، یعنی رعایت اصول معنوی و ارزش‌هایی که بر رفتار شخص یا گروه حاکم است، مبنی بر این‌که درست چیست و نادرست کدام است؟ و مسئولیت اجتماعی به عنوان یکی از این اخلاقیات،

مسئولیت پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۹

به رفتارها و تصمیمات مبتنی بر ارزش‌های پذیرفته شده اجتماعی مربوط می‌شوند. در واقع، تعهد تصمیم‌گیران برای اقداماتی است که به طور کلی علاوه بر تأمین منافع خود، موجبات بهبود رفاه جامعه را نیز فراهم می‌کند.

جایگاه مسئولیت‌پذیری در قرآن کریم

قرآن کریم، درباره بسیاری از مطالب بحث کرده و در این میان روی بعضی از مطالب زیاد تکیه کرده است و روی بعضی دیگر کمتر. از جمله مسائلی که در قرآن مورد بحث قرار گرفته، مسأله جامعه انسانی است. قرآن هم فرد را اصیل می‌داند و هم جامعه را، از آن نظر که وجود اجزای جامعه (افراد) را در وجود جامعه حل شده نمی‌داند و برای جامعه وجودی یگانه، مانند مرکبات شیمیایی قائل نیست، اصالة‌الفردی است، اما از آن جهت که نوع ترکیب افراد را از نظر مسائل روحی و فکری و عاطفی از نوع ترکیب شیمیایی می‌داند که افراد در جامعه هویت جدید می‌یابند که همان هویت جامعه است هر چند جامعه هویت یگانه ندارد، اصالة‌الاجتماعی است، طبق نظر قرآن در اثر تأثیر و تأثر اجزاء، واقعیت جدید و زنده‌ای پدید آمده است، روح جدید و شعور و وجدان و اراده و خواست جدید پدید آمده است علاوه بر شعور و وجدان و اراده و اندیشه فردی افراد، بر شعور و وجدان افراد غلبه دارد. قرآن در شکل یک کتاب علمی یا فلسفی بشری مسائل را طرح نمی‌کند، بلکه به شکل دیگری طرح می‌کند.

قرآن برای امت‌ها (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۲/۴). بدیهی است که امت اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد، این‌ها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است که حیات جمعی و اجتماعی است (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۰).

بنابراین، آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که اختصاص به جامعه‌شناسی و انجام مطالعات اجتماعی پیدا می‌کنند. یک دسته آیاتی هستند که به بیان حال اقوام و امت‌های گذشته می‌پردازند تا مؤمنین احوال و اوضاع آن اقوام و ملل را مطالعه کرده و

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۰

عبرت بگیرند «وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِّنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (احقاف/۲۷) «و بی‌گمان همه شهرهای پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گونه‌گون بیان داشته‌ایم امید که آنان بازگردند». دسته دیگر، آیاتی را شامل می‌شود که امر به گردش در زمین می‌کنند تا انسان خود را از این طریق ذکر شد نایل آمده و عبرت بیاموزد؛ «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام/۱۱) «بگو در زمین بگردید آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است». برخی از آیات کریمه به بیان مثل‌ها و قصص مختلف می‌پردازد تا انسان را وادار به تفکر کرده و او را در اتخاذ خط‌مشی صحیح برای زندگی کمک و راهنمایی کند؛ «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف/۱۱) «به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است». تعدادی از آیات نیز به برخی از پدیده‌های اجتماعی اشاره کرده و به بحث پیرامون آنها می‌پردازند. پدیده‌هایی از قبیل مسئولیت‌پذیری در اجتماع و خانواده، گروه‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی و مانند این‌ها؛ «فَوَرَبِّكَ لَنَسَأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر/۹۲)؛ «پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید»؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند». تمامی این چهار دسته آیات می‌توانند بیانگر طرح جامعه‌شناسی در قرآن کریم باشند و اهمیتی را که اسلام و قرآن برای مطالعات اجتماعی قائل شده است مشخص کنند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۱

مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از موضوعات جامعه‌شناسی از جایگاه خاصی در قرآن کریم برخوردار است. چرا که نظام حقوقی اسلام نظامی حق‌گرا و تکلیف‌گراست؛ به عنوان مثال، در متون دینی وقتی صحبت از حق انسان‌ها می‌شود، بحث از حقوقی است که انسان‌های دیگر بر ما دارند و به عبارت دیگر، مسئولیتی که ما در قبال دیگران داریم؛ البته، چون این حقوق دو طرفه است، ما نیز حقی بر عهده دیگران داریم؛ اما به دلیل همان بُعد سازندگی، تربیت و هدایت که دین اسلام برای خود قائل است به جنبه تکلیف، وظیفه و مسئولیت، توجه بیشتری می‌کند.

در قرآن مجید، آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی را برای انسان بیان کرده است؛ به عنوان مثال می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۴): به پیمان وفادار باشید که از پیمان سؤال می‌شود. و در آیه دیگری می‌فرماید: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (قیامت/۳۶): آیا انسان گمان می‌کند که به حال خود رها شده است»

از سویی نیز قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى...» (فاطر: ۱۸) «و هیچ باربردارنده‌ای بار (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد». در این آیه «وزر» به معنای سنگین است و در برخی از تفاسیر به معنای «گناه» و «مسئولیت» نیز آمده است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می‌کند که بار سنگین مسئولیت را احدی جز خود انسان بر دوش نمی‌کشد و در روز رستاخیز هر کس مسئول اعمال خویش است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۸/۲۲۴) و ابعاد این پاسخگویی به قدری وسیع است که حتی اعضاء و جوارح انسان را نیز در بر می‌گیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۶). «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد». خداوند در وصف مؤمنان می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ». (انفال/۲). «مؤمنان همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد». «وجل»؛ همان حالت

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۲

خوف و ترسی است که سرچشمه آن گاهی به خاطر درک مسئولیت‌ها و احتمال عدم قیام به وظایف لازم در برابر خدا می‌باشد که این حالت به عنوان یکی از صفات مؤمنان ذکر شده است (همان، ۸۶/۷). مسئولیت‌پذیری، از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت این که این امانت عظیم، به انسان سپرده شد، این بود که او این قابلیت را داشت و می‌توانست ولایت الهی را پذیرا گردد؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال به سوی معبود لایزال سیر کند (همان: ۶۰۹/۱۷). چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب/۷۲). ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند و [لی] انسان آن را برداشت. راستی او ستمگری نادان بود. هم‌چنین در آیه دیگری می‌فرمایند: «أَيُّحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى؛ آیا انسان پندارد که آزاد و رها و بی‌مسئولیت است؟» (قیامت: ۳۶)

از این آیه‌ها استفاده می‌شود که خداوند برای انسان، کمال قرب و منزلت را قائل شده؛ زیرا از او خواسته است که مانند موجودی رها و بی‌تکلیف، در پی کارهای بیهوده نباشد. در خود احساس مسئولیت را پرورش دهد و همواره خود را مسئول بداند. چرا که انسان به حکم این که از نور خرد و موهبت اختیار برخوردار است، موجودی مسئول است: مسئول در برابر خدا، در برابر پیامبران و رهبران الهی، در برابر گوهر انسانی خویش و انسان‌های دیگر و در برابر جهان.

انواع مسئولیت

انسان حقیقتاً در برابر خداوند، پاسخگو است. باید توجه داشت که خداوند انسان را نسبت به برخی چیزها مسئول کرده است و آن را در راستای مسئولیت در قبال خود قرار داده است. به طور کلی انسان، در برابر خود، خانواده و جامعه، مسئول می‌باشد که در ادامه مختصراً به این وظایف و مسئولیت‌ها اشاره می‌کنیم:

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۳

الف. مسئولیت در برابر خود

قرآن منزّه بودن خداوند را از این‌که ما شرارت‌ها و مفاسد را به او نسبت دهیم، مکرر یاد می‌کند: «وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (نحل: ۱۱۸) «اگر مردمی بدبخت و بیچاره شدند، ما به آن‌ها ستم نکردیم؛ خودشان به خودشان ستم کردند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۲۲۴). و مسئولیت و تعهد شخصی او را در برابر خود و تکلیفش فریاد می‌زند: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (دهر: ۳) «ما راه را بدو نمودیم یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاس».

انسان در مقابل خود مسئول دو چیز است: اول مسئول حفظ و نگهداری سرمایه‌هایی که به او داده شده است که آن‌ها را تضييع نکند. دوم، مسئول بهره‌برداری و حداکثر استفاده از نعمت‌هایی که به او داده شده است؛ در وجود انسان نعمت‌هایی است که باید در این جهان به ثمر و بهره‌وری برسد و در راه صحیح که همان مسیر تکامل انسانی است استفاده شود. با یک نگرش عمیق و وسیع، تمام امکانات مادی و معنوی در دنیا و استعدادهای نهفته انسان از نعمات الهی هستند که در قیامت از آنها سؤال می‌شود؛ «ثُمَّ لَنُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد» (تکواثر/۸).

مسئولیت‌هایی که انسان در برابر خویش دارد به مسئولیت در برابر نفس، عقل، امور فطری، غرایز، شهوات، اعضاء و جوارح، تقسیم می‌شود. انسان در برابر نفس خویش مسئول است که آن را در راه اطاعت خداوند به کار گیرد. امام سجّاد(ع)، در رساله حقوق می‌فرماید: «وَحَقُّ نَفْسِكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۵۹) «حقّ نفست این است که در طاعت خدا بکارش بندی».

عقل نیز بر انسان حقوقی دارد، از جمله این که قرآن در بسیاری از آیات ما را به تفکر در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز دعوت می‌کند و آن را از نشانه‌های خردمندان می‌شمرده و می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران/۱۹۰) «مسلماناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۴

و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع کننده] است». از سوی دیگر دین اسلام پیروان خود را از اندیشه‌های هوس آلودی که علاوه بر بی‌ثمر بودن، انسان را به وادی گناه سوق می‌دهد، بر حذر داشته است.

یکی دیگر از مسئولیت‌های انسان در برابر امور فطری، حقیقت‌جویی است که انسان را به کشف حقیقت سوق می‌دهد و خیر اخلاقی که موجب می‌شود انسان به سوی کسب فضایل گام برداشته و از بدی‌ها و رذایل دوری کند. هم چنین، زیبا پسندی که موجب می‌شود هر فردی در درون خود کشش و جاذبه‌ای به سمت زیبایی‌ها حس کند و بدین وسیله معرفت بیشتری به خالق این زیبایی‌ها پیدا کند. و احساس عشق و پرستش به موجود برتر که با هدایت آن می‌توان از سقوط این میل فطری در ورطه عشق‌های مجازی جلوگیری کرد و به سوی خداپرستی روی آورد. تمام این امیال فطری، نیاز به تربیت و هدایت دارند تا در مسیر صحیح قرار گرفته و به رشد و شکوفایی برسند و این در صورتی میسر است که از تعالیم انسان ساز دین مبین اسلام بهره مند شویم. غرایز و شهوات از دیگر اموری است که انسان در مقابل آن وظایفی دارد. برای غریزه، مصداق‌هایی شمرده شده است؛ مانند گرسنگی، تشنگی، جنسی و... از آن جایی که غریزه، به گونه‌ای طبیعی و غیرارادی در انسان وجود دارد، باید برای جلوگیری از طغیان آن، حدود و ضوابطی مشخص شود که این امر در اسلام با دستوراتی تعدیل شده است که عمل به این دستورات موجب سلامت جسم و آرامش و تعادل روح می‌شود. برای مثال، قرآن از یک سو می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره/ ۵۷) «از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید». و از سوی دیگر برای تعیین حدود و ضوابط از افراط و تفریط در این امر نهی می‌کند: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/ ۳۱) یکی دیگر از مسئولیت‌های مهم انسان؛ حفظ سلامت و قوت و اعتدال بدن و بکارگیری اعضاء و جوارح در جهتی که خداوند امر کرده است، می‌باشد و هر یک از این دستورات به عنوان حقی از حقوق اعضاء و جوارح انسان مطرح شده است که عبارتند از: حق زبان، حق گوش،

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۵

حق چشم، دست، پا، شکم و فرج. بنابراین، حفظ اعضاء و جوارح از محرّمات، با بهره‌گیری از تعالیم شرع از ضروریات زندگی انسان است که بی‌توجهی به آن، روح و جسم انسان را به تباهی می‌کشاند.

ب: مسئولیت در برابر خانواده

خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و منشأ زندگی اجتماعی انسان، مورد توجه خاص قرآن می‌باشد. جنبه‌های مختلف این نهاد اجتماعی از قبیل منشأ خانواده، روابط خانوادگی، نظام خویشاوندی و مانند این‌ها در قرآن مورد بحث گرفته است. اسلام تأکید فراوانی به تشکیل خانواده و تشکیل آن را منشأ وجود روابط اجتماعی صحیح دانسته که با ایجاد آن جلوی بسیاری از نابهنجاری‌های اجتماعی گرفته خواهد شد. نابهنجاری‌هایی که به جهت روابط جنسی نامشروع، نابسامانی و مشکلات خانواده به وجود می‌آید. از آنجایی که مبنای تشکیل این نهاد، ازدواج است و تنها از این طریق است که خانواده سالم به وجود می‌آید، اسلام توجهی به امر ازدواج مبذول داشته و مؤمنین را تشویق به ازدواج کرده است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲) «و باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان خدا را به نکاح یکدیگر درآورید (تا میان مؤمنین مرد بی‌زن و زن بی‌شوهر باقی نماند و از فقر نترسید) اگر مرد و زن فقیرند خدا به لطف خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود که خدا به احوال بندگان آگاه و رحمتش وسیع (و نامتناهی) و دانا است»

بنابراین، ازدواج، مبادرت به یک خدمت مقدّس و تحمّل یک مسئولیت است. در این بنیاد مقدّس، هر یک از زن و مرد و هم چنین فرزندان و پدر و مادر، به طور متقابل، حقوقی بر یکدیگر دارند که این حقوق، مسئولیت‌هایی را برای طرف مقابل به وجود می‌آورد.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۶

۱- تکالیف همسران نسبت به یکدیگر

زن و شوهر نسبت به هم حقوق متقابلی نیز دارند که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: **عفو و گذشت**: زن و شوهر در ابتدای زندگی، یکدیگر را محک می‌زنند. از این رو، به شکل ظریفی کردارهای هم را زیر نظر دارند. از آنجا که هر دو بشر هستند، مسلماً دچار اشتباه‌هایی می‌شوند و اگر گذشت و چشم‌پوشی نکنند، اختلاف‌ها و درگیری‌ها سر می‌گیرد و کم‌کم به جای احترام، اهانت و در عوض محبت، قهر و کینه، نمود پیدا می‌کند. نتیجه آن، سستی ارکان خانواده و تربیت فرزندان ناهنجار و پرمشکل است. بنابراین، اگر همسران محبت و احترام را می‌خواهند، باید از همان ابتدای زندگی مشترک‌شان بکوشند که روحیه عفو و گذشت را در خود تقویت کنند و در حقیقت، صاحب این کلید مشکل‌گشای زندگی شوند؛ چرا که بر اساس آیات قرآنی، عفو و گذشت موجب جلب غفران الهی می‌شود: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/۲۲) «و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد؟ و خدا آمرزنده مهربان است». بنابراین، اگر همسران عزت و سربلندی خانواده را خواستارند، باید عفو و گذشت پیشه کنند؛ چراکه پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده است: «علیکم بالعفو لا یزیدُ العبدُ إلا عزاً فتعافوا بعزکمُ اللّٰه» (نوری، ۱۴۰۸: ۵/۹) «بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید؛ زیرا عفو موجب عزت بنده است. یکدیگر را عفو کنید تا خدا شما را عزیز کند».

پایبندی به معنویت و رعایت احساسات یکدیگر

در این زمینه قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱) «و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۷

کلمه مودت تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، و رحمت، به معنای نوعی تأثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد، و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید، و صاحب‌دل را وادار می‌کند به این‌که در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند. یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند که موجب می‌شود به هم ابراز احساسات نمایند، و این دو با هم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچک‌تر را رحم می‌کنند، چون در آنها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵۰/۱۶).

احادیثی نیز در این زمینه نقل شده است که به نیکی حقوق همسران را بر یکدیگر تبیین می‌نماید؛ از جمله امام سجاده علیه السلام فرموده‌اند: «و اما حق همسرت آن است که بدانی خداوند متعال با آفرینش او وسیله آرامش و رفاه و انس و نگهداری تو را فراهم نموده است. هر کدام از شما زن و مرد بر نعمت وجود دیگری خدا را سپاس گوید و بداند که این نعمت الهی است. بر او و بر تو واجب است که نعمت الهی را گرامی داشته و در معاشرت با او خوش‌رفتاری و رفق پیشه کنی اگرچه حق تو بر زن سخت‌تر و رعایت محبوب و مکروه تو (اگر زیاده خواهی نباشد) بر او لازم‌تر است، ولی زن حق مهربانی و انس بر تو دارد و جایگاه آرامش و آسایش غریزه‌ای است که گریزی از آن نیست و این حق بزرگی است» (حیدری نراقی، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

اعتقاد به معنویت و حفظ همیشگی آن نیز از مسئولیت‌های مهم خانوادگی است؛ زن و مرد چه در دورانی که هنوز فرزندی ندارند و چه زمانی که فرزندان به گرمی و صمیمیت محفل‌شان می‌افزایند، باید بکوشند فضای معنوی خوبی را در خانه حاکم کنند تا در این فضای معنوی هم اطرافیان و هم فرزندان که به دنیا می‌آیند، با دیدن این الگوها به خوبی رشد کنند؛ زیرا داشتن الگو، مؤثرترین و طبیعی‌ترین وسیله برای انتقال ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی است که قرآن بر آن تأکید کرده و در مواردی به روش الگوپذیری سفارش کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سر‌مشقی نیکوست».

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۸

از وظایف مرد آن است که خانواده را به سوی رستگاری و معنویت هدایت کند. قرآن کریم می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» «خود و کسانتان را از آتش [دوزخ] حفظ کنید» مرد موظف است که زمینه رشد و تعالی را برای همسر و فرزندان فراهم آورد و لوازم رسیدن به رشد و تکامل را در اختیار ایشان قرار دهد؛ برای مثال، راه تحصیل علم را برای آنها باز نماید و یا این که وسایل و امکانات لازم برای تربیت فرزندان را در اختیار همسرش قرار دهد؛ زیرا کودک عمده شخصیت خود را از مادر می‌گیرد و از تربیت مادر است که شخصیت و شاکله وجودی فرزندان شکل می‌گیرد.

۲- مسئولیت والدین در برابر فرزندان

فرزند، نعمتی است که خداوند متعال به والدین عطا می‌کند. در روایت‌های معصومان علیهم‌السلام از فرزند به برکت، گلی از گل‌های بهشت و جگرگوشه مؤمن تعبیر شده است. از حسن بصری نقل شده است که می‌گفت: «فرزند چیزی است که اگر زنده بماند، رنجورم می‌کند و چون بمیرد، مرگش بی‌تاب و توانم می‌سازد؛ چون این سخن به گوش امام سجاد علیه‌السلام رسید، فرمود: به خدا قسم، دروغ گفت. فرزند بهترین نعمت است. اگر بماند، دعایی است حاضر؛ یعنی دعایش در حق والدین مستجاب است و چون بمیرد، شفاعت‌کننده‌ای است که انسان او را پیشاپیش می‌فرست» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۸۹/۲) بنابراین، والدین باید شکر این نعمت را به جای آورند، بدین صورت که مسئولیت‌هایی را که در برابر فرزندان دارند، انجام دهند؛ برخی از این مسئولیت‌ها عبارتند از:

مراقبت‌های اولیه والدین از فرزندان: مسئولیت پدر و مادر در تربیت فرزندان، از هنگام انتخاب همسر و نیز از زمان انعقاد نطفه و سپس دوران بارداری و شیردهی آغاز می‌شود. مروری کوتاه بر دستورهای اسلام در این باره، اهمیت نهاد خانواده را در این مکتب نشان می‌دهد. پیشوایان معصوم ما برای داشتن فرزند خوب ابتدا به گزینش همسر شایسته تأکید کرده‌اند. رسول اکرم (ص) می‌فرمود: «أَنْظُرْ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۱۹

وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» «بین نطفه خود را در چه محلی قرار می‌دهی، زیرا رگ و ریشه خانوادگی بر فرزندان اثر می‌گذارد» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱۲).

قرآن کریم، از یک سو به دلیل فواید جسمانی و روحی استفاده از شیر مادر به مادران توصیه می‌کند که فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره/۲۳۳) و از سوی دیگر، به پدران توصیه می‌کند که در جهت تأمین رفاه و آسایش زن و فرزند خود بکوشند: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره/۲۳۳) «خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند، و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند]».

تربیت صحیح اسلامی: اسلام مسئولیت تربیت دینی و مذهبی و جسمی انسان را در بعد فرهنگی و شکل‌گیری حیات معنوی اسلام بر عهده پدر و مادر گذاشته است، مسئولیت اساسی والدین در برابر فرزندان، تربیت صحیح است. هر چند تربیت، خود واژه‌ای عالی است که همه‌ی کردارها و فعالیت‌های والدین را در تمامی زمینه‌ها شامل می‌شود؛ منظور ما در اینجا آراستن فرزند به آداب اسلامی است؛ این اصل، پیش از انعقاد نطفه آغاز می‌شود و در دوران بارداری، زمان تولد و دوران کودکی و دوره‌های پس از آن ادامه می‌یابد. فرزند از بدو تولد احتیاج به شیر مادر دارد. اسلام دستور داده است که مادران از زمان تولد کودک به مدت ۲ سال تمام او را شیر دهند. آن هم از شیر خود. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ، و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند» (بقره/۲۳۳)؛ در تفسیر آیه آمده است که والدات، چون زاینده اولاد خود می‌باشند به عاطفه طبیعی و غریزی آنها را شیر می‌دهند. زیرا شیر ماده غذایی است که به وسیله غده‌ها و جهازات بدن مادر و از همان ترکیبات خونی و غذایی ساخته می‌شود که تار و پود طفل تکوین یافته است و منشأ عواطف رقیق و متبادل مادر و طفل، همین تناسب و جذب طبیعی می‌باشد که با آهنگ‌ها و نگاه‌های مهرآمیز مادر

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۰

جسم و جان طفل را می‌پروراند و آثاری از مهر و رحمت و شعور به مسئولیت در کانون درونش به ودیعه می‌گذارد و با گذشت زمان و در سنین رشد این آثار ظاهر می‌شود. گویند آهنگ و نگاه و رفتار مادر در چهره و تار صوتی طفل نیز آثاری می‌گذارد و دگرگونی‌هایی پدید می‌آورد- رابطه معنوی مادر با طفل چنان مرموز است که حالات و ناراحتی‌ها و سیری و گرسنگی طفل، در جوشش شیر و فعالیت غده‌های پستانی و شور دل مادر تأثیر می‌نماید و مادران این احوال را از دور احساس می‌نمایند، گویا همین حالات و تغییرات را می‌رساند. چون معنای ضمنی حول، سال از جهت حالات و تحولاتی است که در آن می‌گذرد و رو به کمال می‌رود. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۵۶/۲)

این مسئولیت به اندازه‌ای با اهمیت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «انْ يُؤدِّبْ أَحَدَكُمْ وَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَّصِدَّقَ بِنِصْفِ صَالِحِ كُلِّ يَوْمٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۷۶/۲۱) «اگر هر یک از شما به تربیت فرزند خود بپردازد، برای او نیکوتر از آن است که هر روز نیمی از درآمد خود را در راه خدا صدقه بدهد».

تغذیه حلال و مناسب: همگان بر این نکته آگاهند که تغذیه کافی و مناسب در رشد انسان، به ویژه کودکان مؤثر است. از این رو، می‌کوشند انواع ویتامین‌ها و مواد نیرودهنده لازم را برای بدن تأمین کنند. اسلام نیز بر این مسأله تأکید و نقش تغذیه را گوشزد کرده است. روایت‌های بسیاری از پیشوایان معصوم علیهم السلام در این زمینه به ما رسیده است و بر اساس آن‌ها کتاب‌های سودمندی درباره خواص گیاهان، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نوشته شده است. در کنار این‌ها اسلام به یک نکته مهم اشاره کرده است که بسیاری از آن غافل هستند و آن «تغذیه حلال» است؛ آری، لقمه حلال کمک مؤثری به سالم‌سازی روح و آماده‌کردن آن برای درک معارف الهی می‌کند. بنابراین، والدین باید بکوشند از همان دوران شیرخوارگی، کودک را با غذای حلال پرورش دهند: «كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا» (مائده: ۸۸)

«و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید». همه تأکیدهایی که درباره انتخاب دایه شده، به خاطر تأثیر شیر بر تربیت است. امام صادق علیه‌السلام

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۱

از حضرت امام علی علیه‌السلام روایت می‌کند: «تَخَيَّرُوا اللَّرْضَاعَ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ فَإِنَّ الرِّضَاعَ يَغَيِّرُ الطَّبَاعَ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲۳/۱۰۰). «در امر دایه و شیردادن کودک دقت کنید و بهترین و سالم‌ترین افراد را انتخاب کنید، هم چنان که در انتخاب همسر دقت می‌کنید؛ زیرا شیردادن، طبیعت کودک را تغییر می‌دهد».

انتخاب نام نیک: معمولاً بر نوزاد نامی نهاده می‌شود که تا پایان عمر بدان خوانده می‌شود. نام‌های زیبا و با معنا و محتوای اسلامی، نشان‌دهنده شخصیت خانوادگی هر فرد است. بنابراین، پدر و مادر باید بر این مسئولیت خویش آگاه باشند و برای فرزندان خود نام‌های نیک انتخاب کنند. ابن عباس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۸۹/۲۱) «حق فرزند بر پدر آن است که نام خوبی بر او بگذارد و به بهترین شکل تربیتش کند».

در اخبار اسلامی آمده است که روزی مردی در حالی که دست فرزندش را گرفته بود، به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و پرسید: این فرزند من چه حقی بر من دارد؟ حضرت فرمود: نام خوبی برایش برگزینی و خوب تربیتش کنی و او را در جایگاهی نیکو قرار دهی (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۷۱/۴).

۳- مسئولیت فرزندان در برابر والدین

نکته اساسی در نهاد خانواده رعایت حقوقی است که پدر و مادر بر گردن فرزند دارند. بی‌شک، یکی از حقوق اساسی والدین، احترام به آن‌هاست. پدر و مادر در همه مراحل زندگی، از فرزندان خود توقع احترام دارند. قرآن کریم نیز به این امر بسیار اهمیت داده است؛ به گونه‌ای که در آیه‌ای، احسان به پدر و مادر را بعد از پرستش خدای یگانه ذکر فرموده است: «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا* وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۴-۲۳).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۲

«پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه تا (زمانی که) تو زنده هستی، هر دو یا یکی از آن دو سالخورده شوند، آنان را میازار، به درشتی خطاب مکن؛ حتی به آنان اف هم مگو و با آنان به اکرام سخن بگویی* در برابرشان از روی مهربانی، سر تواضع فرود آور و بگو: ای پروردگار من، هم چنان که مرا در خردی پرورش دادند، بر آنها رحمت آور». ماهیت این روابط، وقتی روشن خواهد شد که در معنای احسان تأمل شود. **راغب اصفهانی** در معنای آن می‌گوید:

احسان عام‌تر از انعام است چون انعام شامل افراد دیگر می‌شود و احسان خود انسان را هم در برمی‌گیرد این است که خدای متعال می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ لِيَأْتِيكُمْ»؛ «اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید» (اسراء/۷) و نیز احسان بالاتر از عدل است به این معنا که عدل عبارت است از این‌که انسان حق دیگران را بدهد و حق خودش را از دیگران بگیرد، در صورتی که احسان عبارت است از این‌که انسان کمتر از حق خود از دیگران بگیرد و بیشتر از حق دیگران به آنها بدهد. بنابراین، احسان زیاده‌تر از عدل است و به این دلیل است که رعایت عدل واجب و رعایت احسان مستحب می‌باشد.

در این آیه شریفه، نکته‌های عمیق و آموزنده‌ای وجود دارد که با نگاه دقیق به آنها، حقوق والدین و منزلت آنان به خوبی آشکار می‌شود:

۱- احترام و احسان به پدر و مادر در کنار پرستش خداوند ذکر شده و این نشان‌دهنده اهمیت بالای موضوع است.

۲- به هیچ روی نباید والدین را اذیت کرد و سخنان آزاردهنده‌ای به آنان گفت.

۳- هنگامی که سالخورده شدند و حوصله، توقع، روش و منش و دیگر خصوصیات اخلاقی آنان با شما سازگاری نداشت، نباید بی‌تاب و عصبی و کم‌حوصله شوید و حتی در این هنگام نباید به آنان «اف» بگویید.

۴- در حضور والدین، کمال تواضع را داشته باشید. تعبیر قرآن در آیه مذکور این است که در برابر آنان «خفض جناح» کنید. اگر شما پرنده‌ای را دنبال کنید، این پرنده تا آنجا که می‌تواند، بال می‌زند و فرار می‌کند و هرگاه نتوانست، بر زمین می‌دود، ولی اگر باز

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۳

هم نتوانست برود، بال‌هایش را پهن می‌کند و تسلیم می‌شود، این حالت را «خفض جناح» می‌گویند؛ یعنی بال‌ها را به نشانه التماس، پهن کردن و تسلیم شدن. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۱/۷).

۵- در حق والدین دعا کردن و برای آنان طلب رحمت کردن.

این آموزه‌های مؤکد اسلامی، نشان از شکوه و قرب والدین در دین اسلام دارد. چه بسا فرزندان که با خدمت به والدین، به سعادت دنیا و آخرت دست یافته‌اند و در مقابل، در طول تاریخ دیده می‌شود که عاقبت بی‌احترامی به پدر و مادر، عاق والدین بوده است که برای فرزندان بسیار شوم و نکبت‌بار است.

ج. مسئولیت در برابر اجتماع

اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسئول و متعهد می‌داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسئول و متعهد می‌داند.

انسان موجودی اجتماعی است و در طول زندگی، ناگزیر از معاشرت با دیگران می‌باشد؛ در همین راستا دین مبین اسلام، وظایفی را برای افراد نسبت به یکدیگر تعیین کرده است که همان مسئولیت‌های اجتماعی می‌باشد و به دو مرحله اندیشه و عمل تقسیم می‌شود. از دیدگاه اسلام، روابط اجتماعی انسان در مرحله اندیشه بر مبنای خیر خواهی، محبت، مودت و حسن ظن می‌باشد؛ یعنی، انسان باید صفحه اندیشه و نیت خود را نسبت به برادران و خواهران خود، نیکو ساخته و از سوءظن نسبت به برادران دینی خود شدیداً پرهیز نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات/۱۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است» پیامبر اکرم (ص) در حدیث شریفی می‌فرمایند که: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۸/۷۲)؛ یعنی، تمامی افراد جامعه نسبت به هم مسئولیت و وظیفه دارند. بلکه در این حدیث شریف عبارت (راع) آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این عبارت، واژه راعی در مورد همه مردم آمده است؛ یعنی مسلمین نسبت به هم مسئولیت دارند بلکه نوعی ولایت نیز برای

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۴

مسلمین نسبت به هم قرار داده شده است؛ زیرا سیاست کردن مردم باید با نوعی ولایت بر آنها همراه باشد. کسی می‌تواند سیاست و هدایت کند که نوعی ولایت نیز داشته باشد.

مصادیق مسئولیت اجتماعی

۱- امر به معروف و نهی از منکر: از دیدگاه اسلام، هر انسانی نه تنها مسئول سرنوشت خویش است، بلکه تا حدّ خود مسئول جامعه خود نیز می‌باشد و بایستی از طریق امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه بکوشد. لذا امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان یکی از مصادیق بارز مسئولیت فرد در برابر اجتماع یاد کرد؛ قرآن می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل‌عمران: ۱۱۰). خداوند سبحان در این آیه کریمه، مسلمین را بهترین امت در میان امم معرفی می‌کند. مسلم است که ملاک نزدیک و دوری به خدا مسأله تقوا است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳). «ملاک نزدیکی به خدا تقوا است»؛ یعنی نگهداری و مواظبت نفس از وقوع در حرام و حدود الهی. این آیه نیز با مسأله تقوا در ارتباط است، لیکن تقوای اجتماعی نه تقوای فردی. به عبارتی، ملاک این که جامعه دارای تقوا باشد این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر صورت بگیرد. جامعه اسلامی متفاوت از دیگر جوامع است. این آیه کریمه بیان می‌کند که ملاک برتری جامعه اسلامی بر دیگر جوامع، امر به معروف است. بنابراین، اولاً بر طبق آیه، در جوامع دیگر امر به معروف صورت نمی‌گرفته است، ثانیاً اگر جامعه اسلامی نیز این فریضه را ترک کند، هیچ برتری بر دیگر جوامع ندارد؛ اگرچه دینشان کامل‌ترین دین و پیامبرشان، خاتم پیامبران است. خداوند متعال در آیه ۱۱۶ سوره یهود می‌فرماید: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ» در این آیه خداوند امت‌های پیشین را مذمت می‌کند که چرا از فساد جلوگیری نمی‌کرده‌اند. این آیه قسمت اول برداشت ما - که امم قبلی اهل امر به معروف و نهی از منکر نبوده‌اند - از آیه ۱۱۰ سوره آل‌عمران را تأیید می‌کند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۵

امر به معروف از چنان جایگاه والایی در اسلام برخوردار است که ملاک برتری جامعه اسلامی بر دیگر جوامع است و از آنجا که خدا ملاک برتری را تقوا می‌داند، این فریضه باید با تقوای اجتماعی مرتبط باشد؛ یعنی هنگامی که در جامعه اسلامی این فریضه اقامه شود و مردم به این فریضه اقدام کنند، تقوای جامعه حفظ می‌شود و اگر ترک شود، جامعه دچار بی‌تقوایی و فساد می‌شود.

۲- احترام به حقوق دیگران: یکی دیگر از وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی، احترام به حقوق دیگران است؛ لذا اگر کسی جان و مال و ناموس دیگری را مورد تجاوز قرار دهد، علاوه بر این که در مقابل خداوند، مسئول است؛ مطابق قوانین اجتماعی، مجازات خواهد شد؛ چرا که خداوند تجاوز به جان یک نفر را معادل تجاوز به کل جامعه بشری دانسته است، آنجا که می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۳) «هر کس کسی را - جز به قصاص قتل، یا [به کیفر] فسادی در زمین - بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد».

امام علی (ع) مسئولیت‌پذیری فرد در رفتار ارتباطی نسبت به همه افراد اعم از دوست و دشمن، رفیق و بیگانه، مومن و کافر و حتی با محیط و سایر موجودات را مبتنی بر مسئولیت در برابر پروردگار می‌داند: ای مردم تقوی پیشه کنید؛ زیرا در پیشگاه خداوند مسئول بندگان خدا، شهرها، خانه‌ها و حیوانات هستید. این مسئولیت‌پذیری در واقع چیزی جز رعایت حقوق غیر نیست. حضرت در مواضع مختلف به ویژه در نامه‌های اداری و دستورالعمل‌های حکومتی و مدیریتی به بیان دقیق وظایف کارگزاری خود پرداخته که مبین حقوق مردم و اهمیت رعایت آن است. حضرت با هدف ایجاد دستگاه مسئول و متعهد در کارگزاران خود نسبت به رعایت حقوق مردم و انجام وظیفه، رعایت حقوق مردم را رعایت حقوق الهی معرفی کرده و رضایت الهی را در گرو آن می‌داند و در مواضع متعدد بیان می‌کند که این مسئولیت در قبال مردم در واقع، مسئولیت در قبال خداست؛ به این معنا که در قیامت نسبت به ادای حقوق مردم از سوی خداوند متعال مورد سؤال قرار خواهید گرفت. حضرت در نامه به فرماندار مصر

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۶

(محمد بن ابی‌بکر) پس از توصیه به رفتار با مهربانی و نرمی و رعایت عدالت و تساوی نسبت مردم می‌فرماید: «خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید. هم چنین حضرت به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، در مورد استفاده ناروا از بیت‌المال هشدار داده و بیت‌المال را مال خدا می‌داند و می‌فرماید: همانا پُست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست، در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی» (نهج‌البلاغه: نامه ۲۷).

۳- عدالت در برخوردهای اجتماعی: جامعه انسانی از افراد مختلف با ویژگی‌های اخلاقی و روحی خاص و نیازهای گوناگونی تشکیل شده و روشن است که در زندگی اجتماعی، برخورد افکار، منافع و ... پیش می‌آید. در این برخوردهاست که باید عدالت به مفهوم اجتماعی و اخلاقی آن به نیکوترین شکل رعایت شود، تا افراد جامعه با آرامش، اعتماد و علاقه‌مندی به یکدیگر، مسیر رشد و تعالی را طی کنند. بر این اساس، انسان عادل کسی است که در برخوردهای اجتماعی و در رفتار با دیگران، به عدالت پایبند باشد، وظیفه خود را نسبت به دیگران به‌خوبی انجام دهد، با هر فردی رفتاری در خور شأن او داشته، حق دیگران را ادا کند و از کوچک‌ترین توهین، دل‌شکنی و ستم دوری جوید. آراسته شدن افراد جامعه به این ویژگی‌های برجسته که حاکی از عدالت آنان است، موجب می‌شود که فعالیت‌های اجتماعی با همکاری و همدلی بیش‌تری انجام پذیرد. علی‌علیه‌السلام در ضمن نامه‌ای به یکی از والیان خود با تأکید بر عدالت در برخورد با دیگران به نشانه‌های آن اشاره کرده است: «وَإِخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَأَسْطُ لَّهُمْ وَجْهَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّخْطَةِ وَالنُّظْرَةِ وَالْإِشَارَةِ وَالتَّحِيَّةِ حَتَّى لَا يَطْمَعِ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ وَلَا يَبْتَاسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ؛ در برابر مردم، فروتن و با آنان گشاده‌رو و ملایم باش؛ مساوات را حتی در گردش چشم و نگاه و اشاره و سلام نیز رعایت کن، تا بزرگان و صاحب‌نفوذان برای تجاوز بر تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو نومید نشوند». (نهج‌البلاغه/نامه ۴۶)؛ عدالت در آیین حیات‌بخش اسلام جایگاه رفیع و

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۷

ارزشمندی دارد و در سه بخش اعتقادی، فردی و اجتماعی ارائه شده است. عدالت اعتقادی یعنی انسان به آنچه که حق است، ایمان آورد و عدالت فردی یعنی کاری کند که سعادتش در آن است و عدالت اجتماعی به این معنا است که انسان، هر کسی را در جایی که از نظر عقل، شرع و یا عرف، مستحق آن است قرار دهد؛ به نیکوکار به خاطر احسانش، نیکی کند و بدکار را به دلیل بدی‌اش، عقاب نماید. حق مظلوم را از ظالم بستاند و در اجرای قانون، تبعیض و استثناء قائل نشود (مقدس‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۱۵). بنابراین، در جامعه اسلامی، تک‌تک افراد، از عوام گرفته تا صاحب منصبان و مدیران حکومتی، وظیفه دارند، عدالت را در هر موقعیتی که قرار دارند و در مقابل هر فردی، اجراء کنند.

عدالت اجتماعی؛ بُعد اجتماعی و سیاسی عدل انسانی و فردی و به عبارتی نمود عینی و مجسم عدالت تام در درون جامعه و در مناسبات ارادی افراد بشر است که مصادیق آن را در قالب کنش‌های اجتماعی، گروهی، تصویب و اجرای قوانین، ایجاد و اداره نظام‌ها و احزاب، مقررات، معاملات، تولید، خدمات، توزیع، مصرف، مشروعیت نظام‌ها، مشارکت مردمی، نظارت، هدایت، تعلیم و تربیت و غیره تجلی می‌یابد. عدالت اجتماعی در نحله‌های دیگر به صرف عدالت توزیعی حمل می‌شود؛ ولی در معنای اسلامی به مفهومی گسترده‌تر و دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، پرورشی، حقوقی و قضایی است و صرفاً در توزیع قدرت یا ثروت خلاصه نمی‌شود. (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۸۱).

این باور همگانی وجود دارد که روابط و مناسبات افراد و گروه‌ها، قوانین و مقررات جامعه و هم چنین نهادهای اجتماعی باید عادلانه باشند. مقررات و الزامات اجتماعی آنگاه از مشروعیت برخوردارند، که یا با عدالت انطباق داشته و یا براساس آن به وجود آمده باشند و بر مبنای آن نیز اجراء شوند. عدالت نه تنها در مورد فرد و کنش فردی، بلکه در مورد جمع و رفتار جمعی نیز معیار و ملاک است.

بنابراین، مسأله قسط و عدل از دیرزمان اساسی‌ترین مسأله‌ها و مهم‌ترین آرمان آدمی در کره خاکی بوده است و از موضوعاتی است که هر اندیشمندی آن را مورد عنایت و

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۸

توجه قرار داده است. عدالت فضیلتی است که تحوّل جوامع بشری منوط به آن بوده است و این فضیلت در وجود انسان به عنوان فرد، استقامت و اعتدال را می‌آفریند و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است. فقدان این عدالت در اجتماع باعث پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می‌شود و چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود (توکلی، ۱۳۸۸: ۱۴ و ۱۲).

در برخی آیات، از تحقق عدالت اجتماعی، به عنوان یکی از اهداف ارسال انبیاء الهی یاد شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» آیه شریفه، با صراحت، مأموریت انبیاء و رسالت آنان را برقراری عدل در میان بشر معرفی می‌کند و می‌فرماید: ما فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آن‌ها کتاب، دستور و نوشته فرستادیم با میزان؛ یعنی قوانین و مقررات عادلانه، برای این که همه افراد بشر به عدالت رفتار کنند و اصل عدالت در میان بشر، برقرار گردد. بنابراین، مسأله برقراری عدالت، آن هم با مقیاس بشریت، هدف اصلی و عمومی همه انبیاء بوده و پیامبر اکرم (ص) خود را مأمور به اجرای عدالت می‌داند: «أمرت لأعدل بینکم» (شوری: ۱۵). حضرت امیر (ع) نیز فلسفه پذیرش حکومت را اجرای عدالت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر و ما اخذالله علی العلماء أن لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سعب مظلوم لآلقت حبلها علی غاربها و لسقیت آخرها بکاس أولها» (نهج البلاغه: خطبه ۳) «اگر آن اجتماع عظیم نبود و اگر تمام شدن حجت و بسته شدن راه عذر بر من نبود و اگر پیمان خدا از دانشمندان نبود که در مقابل پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمکش ساکت ننشینند و دست روی دست نگذارند، همانا افسار خلافت را روی شانه‌اش می‌انداختم و مانند روز اول کنار می‌نشستم».

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۲۹

۴- مسئولیت در برابر فقر و گرسنگی: یکی دیگر از مسئولیت‌های اجتماعی این است که افراد، از حال یکدیگر باخبر باشند و به یکدیگر کمک کنند. در جامعه اسلامی، نباید فقر و اختلاف طبقاتی وجود داشته باشد، بلکه همگی ما مسئولیم تا با بهره‌گیری از تعالیم وحی، این معضل اجتماعی را ریشه‌کن سازیم. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبِيبَاتٍ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره: ۲۶۷) «ای اهل ایمان انفاق کنید از بهترین آن چه به دست می‌آوردید و از آن چه برای شما از زمین می‌رویانیم، و بدها را برای انفاق معین نکنید و بدانید که خدا بی‌نیاز و به ذات خود ستوده صفات است».

حضرت علی (ع) در مورد علل فقر می‌فرماید: «ان الله سبحانه فرض في الاموال الاغنياء اقوات الفقراء فما جاع فقير الا بما منع به غنيّ والله تعالى سائلهم عن ذلك» (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۲۸) «همانا خدای سبحان، روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است؛ پس فقیری گرسنه نمی‌ماند، جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید».

۵- وفاء به عهد و پیمان: وفا به پیمان یکی از مسئولیت‌های مهم اجتماعی است؛ چرا که بدون آن هیچ گونه همکاری اجتماعی میسر نیست و پیمان‌شکنی سبب سلب اعتماد عمومی شده و موجب پراکندگی اجزای جامعه از هم خواهد شد؛ این امر، ضررهای جبران‌ناپذیری بر پیکره اجتماع وارد می‌آورد. وفای به وعده و پیمان هم چون شیرازه‌ای است که روابط اجتماعی، سیاسی و ... را محکم نگه می‌دارد. متأسفانه این اصل بزرگ، در جامعه ما کمرنگ و ضعیف شده و بسیاری خیلی ساده و راحت به پیمان‌شکنی می‌پردازند و چنین خلاف بزرگی را یک امر عادی تلقی می‌کنند؛ غافل از این که گناه بزرگی مرتکب شده‌اند.

در قرآن، در آیات متعددی، وفای به عهد تأکید شده است که در این‌جا به عنوان نمونه، به ذکر چند آیه اکتفا می‌شود. قرآن در بیان شمارش نیکی و نیکان می‌فرماید: «و

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۳۰

الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره/۱۷۷). «آنان کسانی هستند که به عهد خود، هنگامی که عهد می‌بندند وفا می‌کنند» نیز در قرآن می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/۱). «ای ایمان آورندگان! به قراردادهای خود وفا کنید» نیز در قرآن می‌خوانیم: «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۴) «و به عهد خود وفا کنید، که (در روز قیامت) از عهد، سؤال می‌شود».

امامان(ع) با صدها گفتار، پیروان خود را با تأکیدهای فراوان به وفای به عهد دعوت کرده‌اند؛ شاید بتوان گفت بر کمتر چیزی مانند رعایت عهد و پیمان، تأکید نموده‌اند. امام صادق(ع) فرمودند: «عدة المؤمن آخاه نذر لأكفارة له، فمن أخلف فبخلف الله بدأ، و لمقته تعرض» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۶۳/۲) «وعده مؤمن به برادر دینی‌اش هم چون نذر است که کفاره ندارد و کسی که به آن وفا نکند، به مخالفت با وعده خدا برخاسته و خود را در معرض غضب خدا قرار داده است».

حضرت رضا(ع) فرمودند: «إنا أهل بيت نرى ما وعدنا علينا ديناً كما صنع رسول الله» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۷/۷۵) «ما خاندانی هستیم که وعده‌های خود را، قرضی برگردن خود می‌بینیم، چنان‌که رسول خدا (ص) چنین بود».

۶. مسئولیت انسان در برابر طبیعت

یکی دیگر از مهم‌ترین انواع مسئولیت انسان که در اسلام بیان شده است، مسئولیت او در برابر طبیعت، اعم از محیط زیست و سایر جانداران است. انسان حق هر گونه تصرفی در طبیعت را ندارد و هم چنین نمی‌تواند هر گونه که بخواهد با حیوانات رفتار نماید. جاذبه‌های زیبای طبیعت، اعم از جنگل‌ها، دشت‌ها، صحراها، گل‌ها و گیاهان، از عوامل مهم ایجاد آرامش و نشاط در آدمی هستند. از این رو، نابودی غیرمنطقی و غیراصولی این نعمت‌های دلربای خداوندی، به معنای از بین بردن نشاط و امنیت خاطر مردم و گرفتار ساختن آن‌ها به اندوه، ناامیدی و افسردگی خواهد بود. بنابراین، ایفای مسئولیت انسان در برابر طبیعت از مصادیق مسئولیت اجتماعی انسان محسوب می‌شود.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۳۱

منابع طبیعی، ثروتی است که طبیعت برای استفاده انسان‌ها فراهم ساخته است و عامل انسانی، در پدید آمدن آن نقشی ندارد. از بین بردن منابع طبیعی و آلوده ساختن محیط زیست، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات عصر حاضر است که زندگی بشر را به خطر می‌اندازد. به عقیده دانشمندان، بیشتر نابسامانی‌های طبیعی، مانند: سیل، پیشروی آب دریاها، کاهش سفره‌های زیرزمینی و آسیب‌پذیری لایه اوزن، به علت نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست است. از نگاه آموزه‌های دینی، محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست، از مهم‌ترین مسائل اخلاقی - اقتصادی و جزو مسئولیت‌های اجتماعی انسان به شمار می‌رود.

قرآن کریم در بیان پاره‌ای از مسائل اقتصادی، با نگاهی جامع و فراگیر، انسان را از هر گونه فساد در زمین باز می‌دارد و می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۸۵ و ۵۶) «در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید».

بدیهی است که نابودی منابع و آلوده کردن محیط زندگی، از مصداق‌های فساد در زمین هستند. در روایت‌های اسلامی، زمین، منبع خیر و برکت و هم چون مادری مهربان دانسته شده که نگهداری سالم آن بر همگان لازم است. و در جای دیگر نیز فرمود: «جز به هنگام ضرورت، درخت را قطع مکنید» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۷/۵)

نتیجه

با توجه به مطالب ذکرشده، به این نتیجه می‌رسیم که مسئولیت‌پذیری یکی از اساسی‌ترین ابزار موفقیت است. در واقع قبول مسئولیت زندگی، نقطه آغاز تمام دستاوردهای بزرگ است؛ زیرا آدمی بدون پذیرش مسئولیت از تعیین اهداف زندگی‌اش نیز اجتناب می‌کند و به فرض این که، اهدافی را هم تعیین کند، از پیگیری آن عاجز خواهد بود.

بررسی جایگاه مسئولیت‌پذیری در قرآن مبین آن است که قرآن، انسان را موجودی اجتماعی، در اجتماع و برای اجتماع می‌داند و انسان را نسبت به برخی از مسائل مسئول دانسته و رفتار مسئولانه را از شاخص‌های انسان سالم می‌داند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۳۲

بنابراین مسئولیت‌پذیری که از زمینه‌های مهم مورد مطالعه جامعه‌شناسی است، لذا طرح آن در قرآن، به منزله اهمیتی است که اسلام برای جامعه و زندگی اجتماعی قائل است و ضرورت شناخت و بررسی علمی این پدیده، مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی را در اسلام تأیید می‌کند.

اما اهمیت شناخت و پذیرش مسئولیت به این سبب است که مسئولیت انسان حقیقی غیرقابل اجتناب می‌باشد که با خود او تولد یافته است، از این رو مادامی که او انسان است و حیات دارد مسئول می‌باشد، زیرا به استناد آموزه‌های اسلامی مانند آیه امانت به این دلیلی که او انسان است بار مسئولیت امانت الهی را بر دوش گرفته است، از اینرو به هر اندازه که انسان از روحیه مسئولیت‌پذیری برخوردار باشد به همان اندازه کمال یافته‌تر است و به هر میزان که در این اصل سستی کند انحطاط یافته‌تر خواهد بود، چرا که بی‌مسئولیتی تعهدی است و بی‌تعهدی نوعی انحراف و گام نهادن در کجی‌ها و ناراستی‌هاست.

*** **

کتابنامه

- ❖ قرآن کریم، ترجمه: فولادوند.
- ❖ نهج البلاغه، ترجمه: حسین انصاریان
- ❖ ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
- ❖ ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم.
- ❖ پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم.
- ❖ توکلی، م، رکن‌الدین افتخاری، (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر اصول فرا تئوریک عدالت گسترده در اندیشه امام خمینی (ره)، انتشارات درخت بلورین، تهران، چاپ اول.
- ❖ جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۸۰)، نظریه عدالت، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول.
- ❖ حرعاملی، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، موسسه آل‌البیت، قم.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۳۳

- ❖ حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، جامعه مدرسین قم.
- ❖ حیدری نراقی، علی محمد، (۱۳۸۵)، رساله حقوق امام سجاد، انتشارات مهدی نراقی، چاپ اعتماد، تهران، چاپ پنجم.
- ❖ دهخدا، علی‌اکبر، بی‌تا، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ❖ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، دمشق، بیروت، چاپ اول.
- ❖ صدوق، محمد بن بابویه، (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، انتشارات دارالاضواء، بیروت.
- ❖ طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم.
- ❖ طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، قم.
- ❖ طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران.
- ❖ قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
- ❖ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- ❖ کوئن، بروسن، (۱۳۸۰)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- ❖ مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت.
- ❖ مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران.
- ❖ -----، (۱۳۸۰)، نظریه حقوقی اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ اول.
- ❖ مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، جامعه و تاریخ، صدا، تهران.
- ❖ معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ اول.
- ❖ مقدس‌نیا، محمد، (۱۳۷۹)، آداب معاشرت، نشر بیک جلال، قم، چاپ دوم.
- ❖ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۶)، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان ۳۴

- ❖ نوری، محدث، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت، قم.
- ❖ هسمر، ال‌تی، (۱۳۸۲)، اخلاق در مدیریت، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی